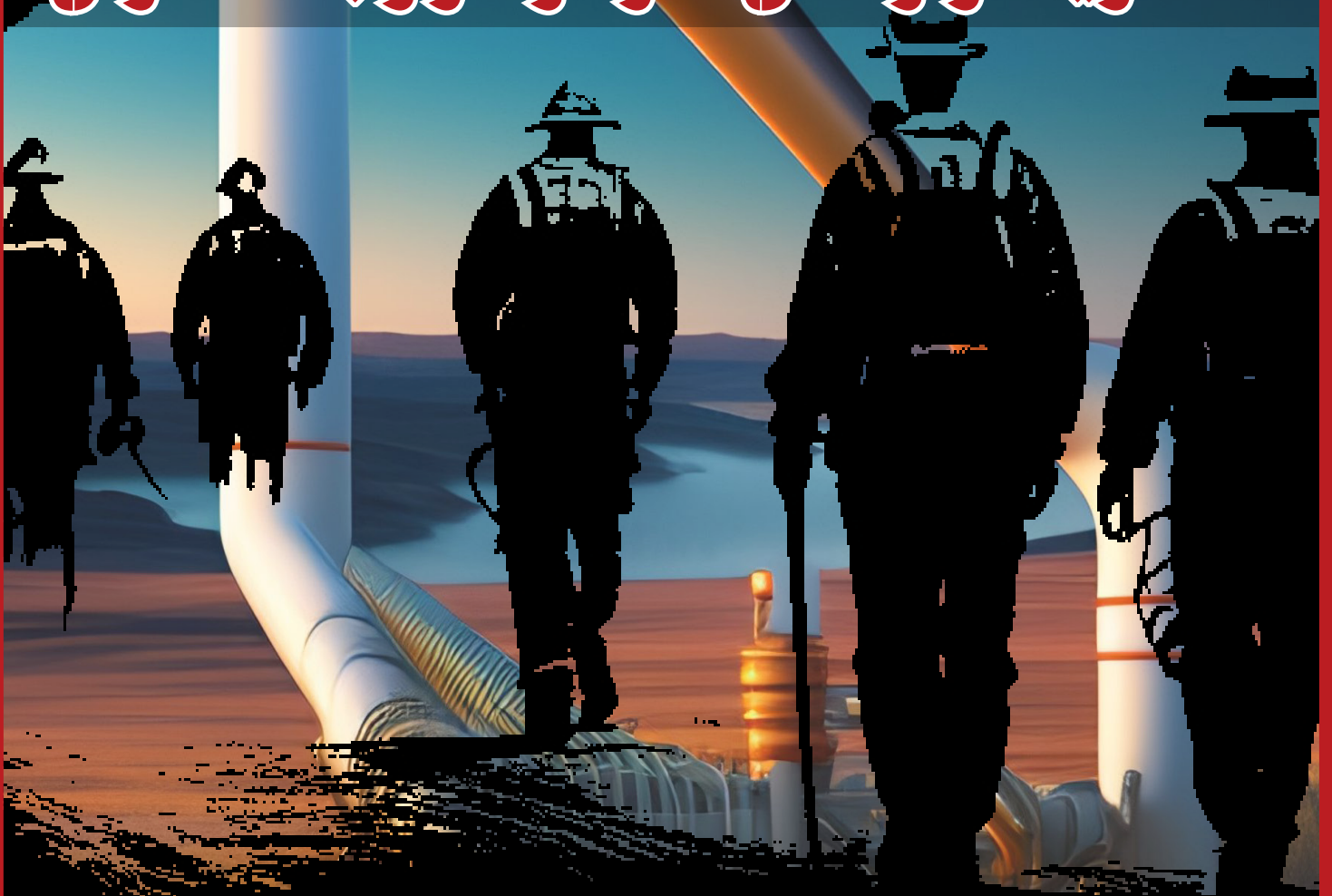


# فصل جدید استعمار کارگران پروژههای نفتی

نئولیبرالیسم انجام گسیخته،

شرایط اردوگاهی، غارت و سرکوب دستمزدی



## فصل جدید استثماری کارگران پروژه‌های نفتی

نئولیبرالیسم لجام‌گسیخته،

شرایط اردوگاهی، غارت و سرکوب دستمزدی

کمپین همبستگی و مقاومت نفت

منابع

## مقدمه

این نوشتار هم فعالان درون صنعت نفت و هم فعالین صنفی خارج از صنعت نفت را مخاطب می‌سازد، در نتیجه برخی اصطلاحات و محاسبات برای گروه اول ساده و بدیهی و تا حدی هم غیردقیق خواهد بود، که از این بابت پوزش می‌طلبیم، ولی جهت آشنایی اذهان فعالین خارج از صنعت نفت با کلیات موضوع چاره‌ای جز این نبوده است.

با شروع دور جدید تحریم‌ها در سال ۹۷ و شوک لجام‌گسیخته‌ی قیمت ارز، گسل‌های جدیدی در شکاف طبقاتی بروز کرده است.

در این نوشتار نحوه‌ی اختصاص هزینه‌ی پروژه‌ها قبل و بعد از تحریم بررسی می‌شود و با آمار و ارقام کلی و حدودی متوجه می‌شویم که مکانیسم محاسبه و پرداخت هزینه‌ها برای پیمانکاران، کارخانه‌داران و مالکان ماشین‌آلات و... به نحوی است که «کاملاً» جبران‌کننده‌ی شوک‌های ارزی است اما برای کارگران موضوع کاملاً متفاوت است. در واقع پیمانکاران می‌توانسته‌اند دستمزد کارگران را بر اساس مبالغ دریافتی از کارفرما در سطوحی متناسب با سطوح شوک ارزی پرداخت کنند اما به نحو معنی‌داری سیاست سرکوب دستمزدها را در پیش گرفته‌اند.

## در پروژه‌های صنعت نفت واقعا چه می‌گذرد؟

### الف- وضعیت قبل و بعد از تحریم در سال ۹۷

در برگزاری مناقصات و عقد قرارداد با پیمانکاران، قبل و بعد از تحریم سال ۹۷، هزینه‌ی یک پروژه عمدتا بر مبنای شاخص‌های ارزی بوده و تغییر معناداری وجود ندارد. مثلا اگر در سال ۹۶ برای اجرای یک پروژه‌ی تمام‌ارزی مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار لازم بوده الان نیز آن پروژه نیاز به ۱۰۰ میلیون دلار دارد و با همین برآورد هم به مناقصه گذاشته می‌شود. اگر یک پروژه‌ی ارزی ریالی قبلا با مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار = ۳۰۰ (سیصد میلیارد تومان) واگذار می‌شده، در سال مثلا ۱۴۰۰ قیمت برآورد آن برای مناقصه و قرارداد به مبلغ مثلا ۱۰۰ میلیون دلار = ۳۰۰۰ (سه هزار میلیارد تومان) تبدیل شده است.

تحریم عمدتا بر تعداد پروژه‌های قابل اجرا تاثیر گذاشته، مثلا اگر قبل از سال ۹۶ امکان تخصیص اعتبار به ۱۰۰ طرح و پروژه وجود داشته، بعد از تحریم ۹۷ صرفا امکان اختصاص اعتبار به ۱۰ طرح یا پروژه فراهم است. همچنین تحریم باعث صعوبت در تامین برخی تجهیزات مهم شده که آن نیز به نوبه‌ی خود باعث افزایش هزینه‌ی پروژه می‌شود ولی این مسئله تاثیری بر بحث فعلی ندارد.

نکته‌ی مهم این است که در برآورد هزینه‌ی پروژه، عمدتا هزینه‌ی تجهیزات و ماشین‌آلات و مصالح برآورد می‌شود، سپس ضرایب مختلفی منجمله هزینه‌های نیروی انسانی بر اساس درصدی از هزینه‌ی محاسبه‌شده به بودجه اضافه می‌گردد. در واقع هزینه‌ی نیروی انسانی شاغل در پروژه (در تمام سطوح از مدیران و مهندسان تا تکنیسین و کارگر ماهر و نیمه‌ماهر و...) درصدی (مثلا ۵ درصد) از هزینه‌های اصلی پروژه برآورد می‌شود. با این حساب قبل و بعد تحریم همچنان مثلا ۵ درصد هزینه مربوط به نیروی انسانی است و با توجه به اینکه هزینه‌ی پروژه قبل و بعد از تحریم تغییر نکرده لذا هزینه‌ی اختصاص داده‌شده به نیروی انسانی شاغل در پروژه نیز قاعدتا نباید تغییر کند!

### ب- ساختار شکست هزینه‌ی پروژه

یک تقسیم‌بندی حدودی برای ساختار شکست هزینه‌ی پروژه‌های صنعت نفت معمولا به شرح زیر است:  
فاز مهندسی: حدود ۵ درصد برای هزینه‌های مهندسی، برنامه‌ریزی، نظارت و... که عمدتا توسط نیروی انسانی متخصص (مدیران، مهندسان و...) انجام می‌شود.

فاز خرید: حدود ۶۰ درصد هزینه صرف خرید تجهیزات و ادوات پروژه می‌شود. خرید کالاها و تجهیزات از

کارخانه‌ها (مانند پمپ‌ها، لوله‌ها، تجهیزات برق، مخازن و...).

فاز ساخت و اجرا: حدود ۳۵ درصد صرف خرید مصالح (بتون، میلگرد، اسکلت‌های فلزی، آسفالت و...)، ساخت تاسیسات (ساخت جاده، ساخت کارگاه و کمپ و...) و نصب تجهیزات خریداری شده و... (بدیهی است بخشی به عنوان سود و همچنین سایر موارد وجود دارد که صرفاً برای ساده‌سازی به آن اشاره نکردیم).

### ج- کارگران پروژه‌ای در کدام بخش مشغول کارند؟

عمده‌ی کارگران پروژه‌ای نفت در قسمت ساخت تاسیسات (با حجم تقریبی ۳۵ درصد) مشغول به کار هستند.

د- ساختار شکست هزینه در بخش ساخت پروژه (با ساختار شکست هزینه‌ی کل پروژه متفاوت و بخشی از آن است) به چه شکل است؟

در این قسمت دو بخش اصلی وجود دارد:

الف- ۸۰-۹۰ درصد هزینه جهت ماشین‌آلات (که در اختیار پیمانکاران اصلی یا فرعی است) و مصالح ساخت: موادی مانند بتون، میلگرد و... که توسط کارخانه‌ها تامین می‌شود.

ب- ۲۰-۱۰ درصد هزینه برای کارگران شاغل در بخش ساخت (کارگران پروژه‌ای).

پس ساختار شکست هزینه ۱۰/۹۰ تا ۲۰/۸۰ برقرار است.

(مجدداً تاکید می‌کنیم اعداد تقریبی است و مثلاً ممکن است در یک پروژه به شکل ۲۵/۷۵ یا ۵/۹۵ باشد ولی

این مسئله تأثیری در موضوع ندارد).

### ه- آیا بودجه یا هزینه‌ی پروژه‌های واگذار شده قبل و بعد از تحریم ۹۷ تغییر کرده است؟

اگر پروژه‌ای قبل از شرایط تحریم با قیمت ۱۰۰ میلیون دلار (۶۰+۳۵+۵) یا به شکل ارزی ریالی به مبلغ مثلاً ۶۰ میلیون دلار ارزی و ۱۲۰ میلیارد تومان عقد قرارداد می‌شد امروزه آن پروژه یا با همان مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار به قرارداد می‌رسد یا به شکل ارزی ریالی به مبلغ ۶۰ میلیون دلار = ۲۰۰۰ میلیارد تومان. در واقع بخش ارزی قرارداد تغییر نکرده و بخش ریالی هم به تناسب (البته نه تناسب خطی) بخش ارزی افزایش قابل ملاحظه پیدا می‌کند. دقت کنید که در هر دو حالت مبلغ قرارداد به شکلی بوده که جهش‌های قیمت ارز منجر به ضرر پیمانکار نشود؛ امری که البته منطقی و صحیح است اما مشکل بعد از این مرحله شروع می‌شود.

پس پاسخ به سوال فوق این است که: بودجه‌ی پروژه‌ها قبل و بعد از تحریم ۹۷ تغییر نکرده است. یک گام به جلو می‌رویم و می‌پرسیم:

و- آیا ساختار شکست هزینه‌ی بخش ساخت، قبل و بعد از تحریم و سیاست‌های نولیبرالیستی و جراحی اقتصادی تغییر کرده است؟

در شرایط قبل تحریم ساختار شکست ۱۰/۹۰ برقرار بوده. پس از ۱۰۰ میلیارد تومان بخش ساخت، مثلا مبلغ ۱۰ میلیارد هزینه‌ی حقوق و دستمزد کارگر می‌شده است و مثلا یک کارگر در آن زمان ۳ میلیون تومان ماهانه دریافت می‌کرد.

خب حالا شرایط را بعد از تحریم بررسی می‌کنیم. پیمانکار این بار ۲۰۰۰ میلیارد تومان برای بخش ساخت از کارفرما دریافت می‌کند (مثلا حدود ۲۰ برابر).

پیمانکار همچنان همان ۹۰ درصد را باید به مالکان ماشین‌آلات یا کارخانه‌ها پرداخت کند که معادل مثلا ۱۸۰۰ میلیارد تومان است. پس تا اینجا هم مالک ماشین‌آلات و کارخانه‌ها در برابر سیاست شوک ارزی بیمه شده‌اند. طبق ساختار شکست ۱۰/۹۰ مابقی هزینه یعنی ده درصد و معادل ۲۰۰ میلیارد باید صرف حقوق کارگران شود! اگر چنین وضعیتی وجود داشت آنگاه حقوق کارگر عملا معادل دلاری قبل بود و کارگر هم مانند کارخانه‌دار در مقابل سیاست نولیبرالی و شوک ارزی بیمه شده بود و مثلا همان کارگر که سال ۹۶ سه میلیون تومان ماهانه می‌گرفت الان باید بیش از ۶۰ میلیون تومان دریافت کند.

ولی می‌بینیم که اصلا چنین نیست و کارگران تحت فشار وحشتناک در حال خرد شدن هستند. در واقع ساختار شکست قبلی ۱۰/۹۰ الان به چیزی مانند ۵/۵/۹۰ تبدیل شده. یعنی نیمی از حقوق و دستمزد کارگران عملا به جیب پیمانکاران می‌رود و این در حالی است که هزینه‌ی مربوطه عملا در قیمت پروژه محاسبه شده (البته به شکل غیرمستقیم) و به پیمانکار هم پرداخت می‌شود اما به کارگر تخصیص نمی‌یابد!

ز- آیا فقط کارگران پیمانکاری تحت سرکوب دستمزدی قرار دارند؟

خیر، محاسبات فوق را می‌توان برای نیروی انسانی سایر ارکان طرح‌ها و پروژه‌ها (کارفرما، مهندسان مشاور، دستگاه نظارت و...) انجام داد و به این نتیجه رسید که سرکوب دستمزد نیروی انسانی شامل کلیه‌ی عوامل نیروی انسانی می‌شود. کلیه‌ی مدیران و مهندسان، در بدنه‌ی کارفرما (وزارت نفت) و بدنه‌ی مشاور و پیمانکار مانند کارگران دچار سرکوب دستمزد هستند اما شاید عدم خودآگاهی و فاصله‌گذاری اسمی (تفکیک‌های ساختگی مانند کارمند-کارگر یا مهندس-تکنیسین یا کارفرما-پیمانکار و...) و همچنین سطح بیشتر خشونت در سرکوب دستمزد

کارگران و شرایط سخت کار و ماهیت موقت و بی‌ثبات کارگران جراحی عمیق‌تری بر بدنه‌ی کارگران پروژه‌ای نفت وارد کرده است.

### جمع‌بندی

بودجه‌ی اجرای یک پروژه در صنعت نفت، قبل و بعد از تحریم تغییر نکرده است. بخشی از این بودجه مختص نیروی انسانی (مدیر، کارشناس، کارگر متخصص و غیرمتخصص و...) است که معمولاً درصدی از پروژه به شمار می‌رود، مثلاً ۳-۵ درصد و بودجه‌ی مذکور نیز تغییر نکرده است. بر این اساس قاعدتاً دستمزد نیروی انسانی شاغل در پروژه‌های نفتی باید متناسب با تغییرات لجام‌گسیخته‌ی نرخ ارز تعدیل می‌شده اما چنین نشده است. در واقع کلیه‌ی عوامل انسانی در پروژه‌های صنعت نفت دچار سرکوب دستمزدی لجام‌گسیخته‌ای شده‌اند که طبیعتاً خشونت سرکوب در مورد کارگران پیمانکارهای پروژه‌های نفتی بسیار بیش از سایرین بوده است.

توضیح دلایل چنین سرکوبی را به تحلیلگران واگذار می‌کنیم. آیا این شرایط نتیجه‌ی استقرار یک سیستم نئولیبرالیستی است یا در حال تجربه‌ی استقرار زمین سوخته و شرایط اردوگاهی (آنچنان که محمد مالجو اشاره کرده) در صنعت نفت هستیم؟ یا آنکه این تکرار شرایط استثماری دائمی طبقه‌ی کارگر و گرایش نزولی نرخ سود بنگاه‌های اقتصادی است که منجر به استثماری کارگران و نیروی انسانی شده؟ یا شاید نظریه‌ی اقتصاد سیاسی غارت (مهرداد وهابی) تحلیلی راهگشا تر باشد؟ و یا نظریات مختلف دیگر که باید از سوی تحلیلگران مربوطه مورد استناد قرار گیرد.

امیدواریم انتشار این مطلب منجر به جلب توجه تحلیلگران و صاحب‌نظران به حوزه‌ی استراتژیک صنعت نفت شود و امکان تحلیلی منطبق با شرایط عینی و میدانی فراهم گردد.

\*\*\*

برای خواندن مطالب بیشتر در مورد تلاش‌های در جریان برای سازماندهی در میان کارگران نفت و اطلاع از نظرات این جمع‌ها، از جمله نظرات «کمیته همبستگی و مقاومت نفت»، می‌توانید به کانال تلگرام «[ماده ۱۰](#)، چه باید کرد؟» مراجعه کنید.

منڙپوڻ  
Manjanigh

